

عروج و برکت

سخنان والدین راستین در طی گردهمائیهای مشیت شده در طی ماههای آوریل و مه که تحت عنوان "تاسیس سازمان ملل هابیلی و کمال پادشاهی بهشتی خدا، چان ایل گوک در کره" در کشورهای آمریکا و کره در جهت برگزاری مراسم "سانگ هوا" برای افراد برجسته‌ی سیاسی، مذهبی و اجتماعی در سطح جهانی که زندگی خود را وقف صلح و آشتی کرده بودند. پدر راستین همیشه در حین خواندن متن سخنرانی، مطالبی را برای ارائه‌ی توضیحات اضافه می‌کند. در اینجا علاوه بر متن سخنرانی، گفتار تفسیری ایشان که در روز بیست و نهم آوریل در هتل "واکر هیل" در سنول ارائه شد را تقدیم می‌کنیم. با این امید که همگی با پیوند قلبی به والدین راستین، تعالیم الهی را چراغ راه زندگی خود بسازیم.

اگر به این امر واقف نمی‌بودم که از طریق این سازمان بین‌المللی^۱ و در طی هشت مرحله، مردم جهان باید مردم خدا شوند، هیچوقت این همه در پی گردهمایی مردم جهان نمی‌بودم. تمامی این کارها برای خاطر آگاهی از تاریخ غمبار و در هم پیچیده‌ی بشر بوده است.

اکنون سن من به ورای نود رفته است. ۹ سال که به آن اضافه کنید ۱۰۰ ساله خواهم شد. از آن به بعد ۱۰۱، ۱۰۲ ... ۱۱۴ و ... آها!... دنیای ایده‌آل رویایی من دروازه‌هایش را خواهد گشود. اما تا زمان تحقق آن پانزده سال باقی مانده است. از آن زمان که به ورای سن ۶۰ سالگی رفته بودم و اکنون که به سوی سن ۱۰۰ سالگی می‌روم، همواره از آخرین عهد و آخرین خواست مشیت الهی برایتان سخن گفته‌ام.

شما عزیزانی که در عقب سالن نشسته‌اید، آیا صدای مرا می‌شنوید؟ (بله) صدایتان چه ضعیف بنظر میرسد، حتماً باید مسن باشید، من خودم هم پیر شده‌ام، اما از پیرها خوشم نمی‌آید، بیشتر مایل هستم تا به نوه‌های پنج و شش ساله‌ی خودم در جایگاه پدر بزرگ و مادر بزرگ خودم خدمت کنم. نمی‌دانید که اینکار چقدر شادی بخش است و من چقدر قدردان هستم.

^۱فدراسیون صلح جهانی

اگر آنها مثلاً از من بپرسند که "پدربزرگ، چکار کنیم؟" من پاسخ می‌دهم که "من همه چیز را به شما آموزش خواهم داد. مخصوصاً چیزی که شما دوست بدارید." به خاطر اینکه پدر پدر آنها هستم و در حوزه‌ی مذهبی والدین راستین نامیده شده‌ام، و همانطور که سعی کرده‌ام اقتدار و وقار خاصی را حفظ کنم آنها مرا "بابا شاه" صدا زده و همینطور همسر من را "مامان ملکه" صدا می‌زنند. من هرگز چنین چیزی را به آنها نگفته‌ام، ولی آنها من و همسر من را چنین صدا می‌زنند. آنها نوه‌های "بابا شاه" و "مامان ملکه" هستند.

در این صورت، آیا این نوه‌ها مشهورتر خواهند شد؟ به همان میزان که پدربزرگ و مادربزرگ با آنها رفتاری بسیار با ارزش‌تر از بهشت و زمین دارند، آنها نیز برای خانواده‌های خود امیدوار خواهند بود.

نام رسمی مردی را که در اینجا در برابر شما ایستاده است چیست؟ اسم رسمی او چیست؟ فکر می‌کنید که نمی‌دانم؟ چیست؟ (شما والدین راستین هستید!) چه گفتی؟! (خنده‌ی حضار) این نام والدین راستین از کجا آمده است؟ نمی‌تواند از خود من باشد...

مردمی هستند که همواره همه چیز را آزمایش می‌کنند، و مردمی هم هستند که تجربه کرده‌اند. ضروری است تا مردم از والدین راستین تعلیم ببینند، برای اینکه اگر آنها بطور صد در صد براساس تعالیم والدین راستین زندگی کنند، حتی اگر والدین راستین در میانشان حضور نداشته باشند، آنها دختران و پسران خدا خواهند شد. اینطور نیست؟ آنها شبیه والدین راستین خواهند شد، اینطور نیست؟

بهرحال وقتیکه برای من فرصت سخن گفتن پیش می‌آید، فقط شروع به گفتن می‌کنم. طولانی‌ترین رکورد سخنرانی من در طی یک روز ۱۷ ساعت و ۴۸ دقیقه است. بطور معمول می‌توانم ۱۲ ساعت سخنرانی کنم که برای من مثل یک ساعت است، اما اگر الان من ۱۲ ساعت سخنرانی کنم آیا کسی اینجا باقی خواهد ماند؟ کسی باقی خواهد ماند یا نه؟ درواقع می‌توانم بطور بیست و چهار ساعته به مدت سه روز سخن بگویم. من نیازی به متن از قبل آماده شده ندارم. من خود کلام هستم، همه چیز در درون من است و با یک اشاره خارج می‌شوند.

وقتیکه به کسانی گوش می‌دهم که متن سخنان عنوان شده‌ی من در سالهای گذشته را در حین برنامه‌های "هون دوک هه"^۲ می‌خوانند، مخصوصاً موعظه‌هایم در مورد مسیحیت، برآستی تحت تاثیر قرار می‌گیرم. اکنون نود و یک سال سن دارم و این سخنان می‌بایست در زمانی که من ۳۷ یا ۳۸ ساله که بودم عنوان شده باشند، اما همچنان بشکل درونی و بیرونی تازه و پر انرژی هستند و احساس می‌کنم که چاره‌ای جز سر تعظیم فرود آوردن در برابر آن تعالیم ندارم. آن مطالب سخنان چه کسی هستند؟ او چه کسی است؟ او فردی است به نام مون در سالهای جوانی‌اش، اما آنچه که می‌گوید سخنان خود او نیستند. او چطور می‌تواند چنین سخنانی را عنوان کرده باشد در حالیکه در این موارد اصلاً آموزشی ندیده، یا از آن آگاهی نداشته است؟ آن سخنان از خدا بوده و هر کسی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در میان افرادی که از این به بعد در طی هزاران سال آینده اگر کسی برخاسته و مثل من در برابر این سخنان سر تعظیم فرود آورد، آنگاه او مثل من خواهد شد...

اکنون نه زمان فرا رسیدن سازمان ملل هابیلی، بلکه زمان استقرار واقعی آن است. زمان فرارسیدن آن اول ژوئن سال گذشته بود ...

^۲ یعنی مطالعه‌ی دسته جمعی که خانواده‌های برکت گرفته هر روز ساعت پنج صبح برگزار می‌کنند. این برنامه در جایی که والدین راستین تشریف دارند، با حضور تمامی خانواده‌های برکت گرفته در آن منطقه برگزار می‌شود، که بطور معمول با راهنمایی‌های معنوی از جانب والدین راستین همراه بوده و گاه موارد حتی تا ساعتها ادامه پیدا می‌کند.

امروز چه روزی است؟ در حین مراسم "سانگ هوا"^۳، در واقع مراسم تولد دوباره نیز برگزار می‌شود. سه مرحله‌ی برکت در مراسم تولد دوباره وجود دارند که عبارتند از برکت تولد دوباره، برکت رستاخیز و برکت سانگ هوا. اینها چیزهایی هستند که شما خارج از اینجا نخواهید یافت. آیا اصلاً کسی مراسم تولد دوباره، رستاخیز و زندگی ابدی برگزار می‌کند؟

بنابراین برای تکمیل "چان ایل گوک" تمامی مردم دنیا از کودکان گرفته تا میلیون‌ها نسل‌های گذشته باید از مراسم‌های تولد دوباره و رستاخیز طی طریق کرده و به زندگی ابدی نائل شوند....

عصر صلح و کامیابی اشاره به زندگی در کامیابی محض بشکلی گسترده و در محیطی آرامش بخش در تمامی جهات دارد. تمامی مردم و تمامی مخلوقات در تمامی نسل‌های آینده همگی باید در صلح و کامیابی در آن زندگی کنند.

پدر در اینجا به خواندن متن سخنرانی می‌پردازد و البته گاه‌گداری در حین خواندن متن، توقف کرده و توضیحاتی می‌دهد:

رهبران گرامی، میهمانان برجسته از سراسر دنیا و کشور کره، خانمها و آقایان، به نمایندگی از جانب خانواده‌ام و تمامی مردم کره، من و همسر مایل هستیم تا مراتب قدردانی عمیق خود را از حضور محترم شما در عین وجود برنامه‌ها و مشغلت بسیارتان، برای گرامیداشت این رویداد^۴ بسیار پرمعنا برای من و همسرم ابراز کنیم.

این مراسم برای من نبوده که برای تمامی مردم کره است. این مراسم برای یک فرد یا یک خانواده، و حتی برای مردم کشور کره هم نیست. ما قدردانی عمیق خود را از تمامی مردم دنیا بعمل می‌آوریم. در اینجا سخنانم تشریحی است بر تمامی بخش‌های مختلف رویداد امروز که شما شاهد آن بوده‌اید.

خانمها و آقایان، دو ماه پیش بدنبال جشن سالروز نود سالگی خود، اولین گام برای رفتن به سوی صد سالگی را آغاز کردم. این زمان، دوره‌ی پر مشغلت مشیت الهی است. من نسبت به حد متوسط طول عمر انسانها، با عمری طولانی‌تر برکت گرفته‌ام...

ما صاحب چهارده فرزند هستیم که پنج تا از آنها از دانشگاه "هاروارد" فارغ‌التحصیل شده‌اند. در میان بیش از چهل نوه‌هایمان نیز تعدادی هم اکنون در آنجا مشغول تحصیل هستند.^۵ بعلاوه، تعداد بسیار زیادی از مردان و زنان خوب از ۱۹۴ کشور دنیا با نیل به شناخت والدین راستین به پیروی از ما در مقام پادشاه پادشاهان برخاسته‌اند.

اینطور نیست؟ (بله درست!) اگر اینطور نبود، عزیزانی که امروز در اینجا بر روی سن حضور دارند همه از اینجا فرار می‌کردند. آنها بواسطه‌ی رورند مون برای نیل به یک زندگی براساس تعالیم او به اینجا آمده‌اند. آنها به اینجا آمده‌اند تا به هر جا که او می‌رود از او پیروی کنند. با پایان گرفتن این مراسم، آنها خواهند گفت که "آه، بهتر بود که من پیش از این از آنها پیروی می‌کردم." برگزاری مراسم "سانگ هوا" به معنای جشن تولد آنها

^۳ مراسم ختم یا عروج در نهضت هماهنگ

^۴ روز والدین راستین و پنجاهمین سالروز ازدواج والدین

^۵ عنوان کردن چنین چیزی برای حضار کره‌ای بیانگر رضایت گوینده از زندگی طولانی‌اش می‌باشد.

است. این درواقع مراسم تولد است، یا دومین تولد و یا تولد دوباره‌ی آنها است. آنها اینگونه به زندگی بازگشته و درواقع این مراسمی برای رستاخیز آنها است. و این یعنی عروج به زندگی بعدی، که زندگی ابدی آنها خواهد شد... در این صورت تمامی مردم دنیای روح از من پیروی خواهند کرد. ما می‌توانیم آنها را بر روی زمین فراخوانده و به آنها آموزش دهیم. تمامی مردمی که نسب خونی سقوط کرده‌ی آدم را دریافت کرده‌اند دوباره به زمین بازخواهند گشت. آنها باید بطور قلبی و فکری متحد شوند تا بتوانند شبیه پسران و دختران خدا شوند. چرا که راهی دیگر برای آنها وجود ندارد. آنها به تغییر نسب خونی و بیرون راندن شیطان نیازمندند. چرا که درواقع نسب خونی خودشان را فروخته‌اند، حوا ریشه و مبداء زندگی را فروخته است. اکنون آنها باید بازگشته و از مراسم‌های تولد دوباره، رستاخیز و "سانگ هووا" طی طریق کنند. من، والدین راستین، از خدای نامرئی آفریننده‌ی تمامی هستی، در راستای نیل به کمال بشریت راه رشد و شکوفایی جهان آفرینش را دریافت کرده‌ام. من تمامی انسانها در دنیای روح را به همراهی تمامی اعضای خانواده و قبیله‌شان بر روی زمین فرا می‌خوانم، تنها در کشور کره دویست و هشتاد و شش قبیله وجود دارد، آنها باید تمامی اجدادشان تا زمان آدم و حوا را آورده و اینگونه تمامی هزاران نسل از آنها رستاخیز کنند. انسانها به تعداد بیشماری از قبایل تقسیم شده‌اند و اکنون تمامی آنها باید با طی طریق از تولد دوباره و رستاخیز به پادشاهی بهشتی نائل شوند، جایکه در آن بهمراهی تمامی اعضای قبیله‌شان و همینطور تمامی بازماندگان‌شان در آینده با والدین راستین خواهند زیست. آنها همچنین باید والدین راستین بشوند.

ما در طی زندگی‌مان، نهادها و سازمانهای بین‌المللی بسیاری برای ترویج صلح جهانی بنا کرده‌ایم. در بسیاری از زمینه‌ها از جمله همکاریهای بین‌ادیان، پروژه‌های سودمند اجتماعی، فعالیتهای فرهنگی، ورزشی، آموزشی و مطبوعاتی بدون هیچ قید و شرطی سرمایه‌گذاری کرده و این ابتکارات را با هدف ترویج صلح و به ارمغان آوردن رستگاری بشری با موفقیت به انجام رسانده‌ایم.

شاید بدنیاال تمامی کارهای موفقیت آمیز در این زمینه‌ها است که مردم اعلام می‌کنند که ما شایستگی آن را داریم تا با توجه به زندگی گذشته‌ی خود، یک جشن تولد زیبا همراه با تیریکات تمامی انسانها برگزار کنیم. آنها حتماً از من می‌خواهند تا با فراموش کردن همه چیز از این به بعد بنشینم و تنها به تمامی موفقیت‌های حاصله در طی نود سال گذشته ببالم.

اما من و همسر من نمی‌توانیم با نگرشی دنیوی به زندگی‌مان نظر بیافکنیم. ما می‌بایست ماموریت والدین راستین واقعی اعطاء شده از جانب خدا را به انجام برسانیم. از جانب خدایی که خود، والدین راستین عمودی تمامی انسانها است. نخست می‌باید نه والدین راستین عمودی بلکه والدین راستین افقی وجود می‌داشت. اکنون با سه سال باقی مانده در جهت انجام ماموریت تاسیس "چان ایل گوک"، ما هر روز زندگی‌مان را با جدیت بیشتری نسبت به گذشته سپری می‌کنیم.

من در تمامی طول زندگی، وجودم را برای آزدسازی خدا، تنها و یگانه والدین راستین بهشت و زمین، در جهت بازسازی جایگاه مشروع والدینی او، نجات تمامی انسانهای رنج‌دیده در حوزه‌ی مرگ، و بازگرداندن آنها به آغوش خدا فدا کرده‌ام. زندگی‌ام همواره چنین بوده است. من می‌بایست با آفرینش حوزه‌ی رستاخیز، مراسم‌های تولد دوباره و رستاخیز را برپا دارم. به این منظور، من در حین هدایت مردم دنیا، که بسان یتیمانی گمشده و ناآگاه از واقعیت وضعیت خود در پی والدینشان سرگردانند، بسوی هدف جهانی رستگاری، تنهایی در روردرویی

با تمامی رنجها و محنتها پابرجا مانده و به پیروزی دست یافتیم. اما هیچکسی از دستیابی من به مقام والدین راستین در راستای نجات مردم، استقبالی نشان نداد.

بواسطه‌ی سقوط شکل گرفته توسط اولین اجداد ما، انسانها در نسب خونی دروغین متولد شده‌اند. هر کسی بدون استثناء حتی در این زمان در تاریکی سرگردان بوده و قادر به رهایی از اسارت شیطان نیست. در چنین وضعیتی، من و همسرم چطور می‌توانیم در زندگیمان بطور کامل جدی نباشیم و به شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان روی زمین راه تاسیس پادشاهی بهشتی را نشان ندهیم؟ من نسبت به شما صدها و هزاران بار بیشتر با یک زندگی مملو از دشواری روبرو بوده‌ام ولی هیچکسی با من همدردی نکرد. من همیشه مورد رنج و عذاب قرار گرفته و تعدادی حتی سعی در به قتل رساندن من داشته‌اند. دنیا بشکل‌های مختلف مرا هدف تیرهای خود قرار داده‌است، اما هیچکدام به هدف نرسیدند.

سه مرحله‌ی بازآفرینی

خانمها و آقایان، خدا بشریت را در مقام فرزندان خود آفرید. او بعنوان ماهیت اصیل مطلق، یگانه، تغییرناپذیر و ابدی، آنها را با اعطاء نمودن روح و دمیدن عشق خود در وجودشان آفریده است. اگر سقوط روی نمی‌داد، ما می‌توانستیم بسان خدا کامل شده و به زندگی ابدی دست یابیم. سقوط امری غیرقابل بخشش است. بنابراین تولد دوباره و رستاخیز ضروری است. اینطور نیست؟ آیا شما فرزندان خدا یا فرزندان شیطان هستید؟ پسر خدا از آینده و همینطور از بسیاری از چیزهای ژرف و عمیق با خبر است. من بدون هرگونه آموزشی از این مسائل آگاهی داشته‌ام. شما باید بدانید که چیزهایی هستند که در بدو تولد از آن آگاهی دارید، چیزهایی هم هستند که خود می‌آموزید، و چیزهایی هم هستند که خدا به شما آموزش می‌دهد.

اما بدبختانه بشریت با زندگی در مقام بازماندگان سقوط، از وضعیت زندگی خود در جهالت هستند. در جهت برخورداری از یک زندگی کامل، تمامی انسانها بدون استثناء باید با دریافت برکت از جانب والدین راستین در سه مرحله‌ی تولد دوباره، رستاخیز و زندگی ابدی، به یک زندگی تازه دست یابند. تولد دوباره در اینجا اشاره به یک فرد نائل آمده به زندگی تازه دارد. رستاخیز یعنی وقتی که یک خانواده به زندگی تازه نائل آید. و زندگی ابدی به تمامی بشریت نائل شده به کمال اشاره دارد که بدنبال تاسیس پادشاهی بهشتی بر روی زمین و در دنیای روح در ملازمت به والدین راستین در مقام پادشاه پادشاهان، بطور ابدی در موطن ابدی خدا خواهند زیست. این دنیای ایده‌آل هنوز تاسیس نشده است و ما باید در این مسیر در پی راه حلی باشیم. آنجا چگونه جایی است؟ من به اینجا آمده‌ام تا در این مورد به شما آگاهی بدهم. این اولین بار است که شما را می‌بینم، ولی دوره‌ی زندگی من، دوره‌ای بوده است که در آن خدا و دنیای روح با من همکاری کرده‌اند تا شما بتوانید از آن تبعیت کنید. پدران و مادران شما در دنیای روح از من پیروی می‌کنند. آنها از طریق مراسم "سانگ هووا" می‌توانند بطور مستقیم به بهشت بروند و در این صورت اجازه نخواهند داد که شما هر طوری که خواستید زندگی کنید، آنها شما را تنبیه خواهند کرد.

به آسانی می‌توانیم متوجه شویم که زندگی هر کسی از سه مرحله طی طریق می‌کند. نطفه‌ی هر کسی با شکوه الهی و عشق والدینش بسته می‌شود. اولین مرحله‌ی زندگی دوره‌ای طولانی (در عین حال کوتاه) ۹ ماه در درون رحم مادر سپری می‌شود. هیچکسی از گذر از این مرحله مستثنی نیست. هیچکسی حتی رئیس جمهور و وزرای

کابینه نمی‌توانند بدون وجود رحم مادری متولد شوند. اولین اجداد بشری متمرکز بر اسپرم و تخمک خدا متولد شدند ولی بعد از آن تمامی مردم متمرکز بر اسپرم و تخمک شیطان پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند و این موجب نگرانی است. بدون یک تحول انقلابی راهی برای پیشروی در زندگی وجود نخواهد داشت. باید یک راه مستقیم وجود داشته باشد. بهر حال چه متوجه باشیم و چه نه، تمامی ما بدون استثناء ۹ ماه از زندگی خود را در درون رحم مادر سپری می‌کنیم. اگر چه رحم زن کوچکتر از یک قابلمه‌ی غذا است، اما از دیدگاه جنین، آنجا بسیار بزرگتر از تمامی جهان هستی است. درد تلخ نسب خونی پدر و مادری که نتوانستند متمرکز بر اسپرم و تخمک خدا تولد بدهند، زمانی شناخته و لمس شد که اجدادتان به جهنم رفتند.

تولد در مرحله‌ی دوم زندگی ما، چطور بر روی زمین رخ می‌دهد؟ چطور می‌توانیم کلمه‌ای مناسب برای تشریح درگیری یک نوزاد در رودروئی با دنیای کاملاً تازه و نا آشنا پیدا کنیم؟ اولین گریه‌ی نوزاد در اولین تجربه‌ی دنیای بزرگ و پهناور که بمحض خروج از رحم مادر با آن روبرو شده است، برکت و جشنی برای زمان و فضای نوینی است که در طی صد سال آینده برای او تداوم خواهد داشت. ما بر چنین چیزی واقف نبودیم، چرا؟ ما نمی‌دانستیم چون فراموش کردیم که در جستجوی والدین بهشتی در مقام والدین‌مان پا به این دنیا گذاشته‌ایم.

امروز تمامی ما متبرک به زندگی در دومین مرحله از زندگی‌مان، در مسیر تولد دوباره گام برمی‌داریم. فکر می‌کنید که چه اتفاقی روی می‌داد اگر من ازدواج نکرده بودم؟ در اینصورت از جانب رسانه‌های گروهی مورد رنج و عذاب قرار نمی‌گرفتم، آنچنانکه تا به این زمان چنین شد. اگر چه من برای از بین بردن ریشه‌ی شیطان به اینجا آمدم، اما آنها مرا "مون نابود کننده‌ی کشور" نامیده و بشکلهای مختلف با من مخالفت کردند. آنها صدها بار مرا مورد هدف قرار دادند اما من هرگز شکست نخوردم.

امروز تمامی ما متبرک به زندگی در دومین مرحله از زندگی‌مان، در مسیر تولد دوباره گام برمی‌داریم. اگر چه صد سال بسیار طولانی‌تر از آن ۹ ماهی است که ما در درون رحم سپری می‌کنیم، اما فراموش نکنید که هنوز دوره‌ای وجود دارد که ما باید برای نیل به یک پایانی والا آن را طی کنیم. اگر چه همه‌ی ما آن استاندارد حس آگاهی در درون رحم مادر را فراموش کرده‌ایم، و اکنون از زندگی خود در کیسه‌ی بزرگ این دنیای پهناور لذت می‌بریم، اما تمامی اینها آمادگی برای آخرین مرحله‌ی زندگی ما یعنی همان زندگی ابدی است. هنوز تعیین نشده است که شما به بهشت یا به جهنم بروید و چون هنوز در این مورد تصمیم‌گیری نشده است، ما باید برای طی طریق از سه مرحله‌ی برکت و ورود به حوزه‌ی مورد حمایت خدا، در طی سه سال آینده مراسم "سانگ هووا" و همینطور مراسم‌های تولد دوباره، رستخیز و برکت را برگزار کنیم. این کاری است که من در حال انجام آن هستم.

سومین مرحله در دنیای زندگی ابدی، یعنی در دنیای روح خواهد داد که ما با نیل به کمال به آن پا خواهیم گذاشت. آنجا دنیایی است که بازماندگان سقوط توان تصور آن را ندارند. آنجا دنیای ویرای زمان و مکان است. به همان شکل که جنین نمی‌تواند تصویری از زندگی بر روی زمین داشته باشد، مردم ساکن روی زمین که از هوا در اینجا تنفس می‌کنند به آسانی قادر به درک دنیای روح نیستند، جاییکه در آن در بدنهای روحی متولد شده، زیسته و از هوای عشق راستین استشمام خواهیم کرد. اصلاً و ابدا نمی‌توانید چگونگی آن را تصور کنید، به همین خاطر به شما آموزش می‌دهم.

مردم در رودروئی با مرگ، از ترس به لرزه درآمده، و بدون درک درست از معنای راستین آن در وحشت فرو می‌روند. با وجود تداوم شش هزار ساله‌ی تاریخ بشری، تا به حال هیچ کسی وجود نداشته است که بتواند

بطور واضح در ارتباط با حقیقت مرگ آموزش بدهد. و اکنون در آخر زمان تاریخ بشری، من در مقام والدین راستین تمامی انسانها توانستم این حقیقت و این راز بهشتی را آشکار کنم.

خانمها و آقایان، کلمه‌ی "مرگ" مقدس است. این واژه برای حزن و اندوه و رنج نیست. به همین خاطر عبارت "سانگ هووا" (عروج) را آفریدم تا معنای راستین مرگ را تشریح کنم. آن زمانی که ما پا به دنیای روح می‌گذاریم، در واقع زمانی است که ما با نتایج حاصله از زندگیمان بر روی زمین به دنیای شادی و پیروزی می‌رویم. این زمانی است که بازماندگان بر روی زمین باید فرد مسافر به دنیای روح را با شادی بدرقه کنند. ما باید بجای اشک غم و اندوه، اشک شادی بیافشانیم. بواقع این اهمیت باشکوه و مقدس مراسم "سانگ هووا" می‌باشد. این اولین گام در جهت لذت بردن از زندگی ابدی در آغوش خدا است. لحظه‌ی مرگ باید لحظه‌ای شورانگیزتر از حتی لحظاتی باشد که یک تازه داماد برای اولین بار به خانه‌ی عروس می‌رود.

من برای گشایش دروازه‌ها برای تمامی مردم در کسب چنین تجربه‌ای، برای رهبرانی که اخیراً به دنیای روح رفته‌اند، در هجدهم ماه مارس در سازمان ملل متحد در شهر نیویورک مراسم "سانگ هووا" برگزار کردم. من نه اینکه آنها را طرد کنم بلکه می‌بایست آنها را گردهم آورده و بسوی دنیای روح هدایت کنم. من برای آموزش کسانیکه در سیاهی و جهالت بسر می‌برند، مسئولیت دارم.

اسامی کسانیکه مراسم برایشان برگزار گردیده است:

"آلکساندر هگ"، وزیر خارجه‌ی اسبق آمریکا که در جنگ کره با بمباران زندان "هونگ نم"، اردوگاه مخصوص کار اجباری کره‌ی شمالی زندگی مرا نجات بخشید. "کیم د جونگ"، رئیس جمهور اسبق کره‌ی جنوبی و برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل. وقتیکه رئیس جمهور فوت کرد، من به "هوانگ سان جو" گفتم که برود و برای او مراسم "سانگ هووا" برگزار کند ولی او نمی‌خواست چنین کند. به او گفتم که "... این موضوع، مسئله‌ی مرگ و زندگی برای کشور کره است برو و این مراسم را برای او برگزار کن..." که بهرحال او رفت و در طی پانزده دقیقه مراسم "سانگ هووا" را برای او برگزار کرد، چون در آن مکان فرصتی برای انجام مفصل چنین مراسمی نبود، به خاطر اینکه کمونیستها دشمنان من هستند. آقای "حدی انابی" یک دیپلمات تونس‌ی که بعنوان سرپرست هیئت اعزامی سازمان ملل به کشور هائیتی، در زلزله‌ی مرگبار امسال این کشور جان باخت. همینطور صد نفر از کارکنان سازمان ملل که در کنار آقای "حدی انابی" جان سپردند. آقای "رودریگو کارازو اودیو" رئیس جمهور اسبق کشور کاراکاس، که بعنوان رئیس جمهور صلح معروف است. آقای "عبدالرحمان وحید" رئیس جمهور اسبق اندونزی که تمامی زندگی‌اش را برای کشورش با جمعیتی بیش از دویست میلیون نفر فرو گذاشت. آقای "استاینگریمور هرمانسون"، نخست وزیر اسبق ایسلند، کسی که مقدمات ملاقات "میخائیل گروباچف" و "رونالد ریگان" روسای جمهور وقت اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا را فراهم کرد، که این حرکتی بسیار مؤثر و سرعت بخش در پایان دادن به جنگ سرد بود. "شیخ حسن سیسه" از سنگال که یک پژوهشگر بزرگ و نمونه از دنیای اسلام بود. آقای "لاکسمی مال سینگوی" که از جانب یک میلیارد و یک میلیون نفر مردم هند بعنوان سفیر آشتی و صلح نام گرفت.

رهبران گرامی، اگر چه زندگی افرادی را که نامشان را در اینجا ذکر کردم همه از نوع زندگی نودوستانه بوده است، اما در دنیای امروز ما که رابطه‌ی والدین فرزندی خدا و بشریت بواسطه‌ی سقوط اولین اجداد بشری از بین رفته‌است، بدون دریافت برکت ازدواج و اجرای مراسم "سانگ هووا" از جانب والدین راستین، هیچ ضمانتی برای ورود هیچکدام از آنها به دنیای زندگی ابدی وجود ندارد. لطفاً با جدیت به این نکته دقت بفرمائید. این

چیزی است که تنها از دست من برمی‌آید. افراد بیشماری با من مخالفت کردند؟ من اخیراً کتاب شرح حال خود را به چاپ رسانده‌ام. بسیاری با مطالعه‌ی آن، چنان تحت تاثیر قرار گرفته‌اند که به گریه افتاده و برایم نامه‌های توبه و ندامت نوشته‌اند. البته خود من نیز با خواندن این نامه‌ها تحت تاثیر قرار گرفته و گریستم. من با این نیت دعا می‌کنم که بتوانم همگان را بعنوان پسران و دختران خودم به پادشاهی بهشتی ببرم. من تنها فرد در این کشور هستم که چنین چیزی از دست او ساخته است.

این عصر که در آن خدا تقویم بهشتی را معرفی نموده‌است، عهدی بسیار جدی است. اکنون زمان آن فرارسیده است که تمامی شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان روی زمین تعالیم مرا، در مقام والدین راستین مسئول در واگذاری زندگی ابدی به بشریت، درک کنند. اکنون زمان آن است که شما خبر خوش ظهور والدین راستین را در تمامی گوشه و کنار دنیا پخش کنید. آیا چنین خواهید کرد یا نه؟ پاسخ بدهید. هر کاری که می‌خواهید انجام بدهید. اگر مشروبات الکلی نوشیده، دست به زنا زده، و به هر میزان که خواستید کلاهبرداری کنید، من تمامی آنها را برملا خواهم ساخت. زمان محترم شمردن و به ارث بردن سنت و روح مردم کره فرارسیده است، یعنی کسانی که والدین راستین در میان آنها ظهور نموده، سنت بهشتی را برپا داشته و با متحد ساختن شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان روی زمین با سازمان ملل، صلح جهانی را به ارمغان خواهند آورد.

با شروع تقویم بهشتی، فراموش نکنید که مراسم "سانگ هووا"، مراسمی مذهبی است که در آن هر کسی می‌تواند جهان بینی شهروندان مقدس پادشاه بهشتی را به ارث برده و برای آزادی خدا و بشریت جشن و پایکوبی برپا دارد. من در پیشگاه خدا برای آزادی تمامی مردم جهان دعا می‌کنم. بنابراین آیا با من همراهی می‌کنید یا نه؟ چون تا به حال هیچکسی بیشتر از من حتی به این موضوع نینانديشیده است. میلیونها نفر می‌میرند و ممکن است که شما آنها را ترک کنید و به حال خودشان بگذارید، اما آنها شما را رها نخواهند کرد. آنها از شما انتقام خواهند گرفت! و شما چاره‌ای در اجتناب از آن نخواهید داشت. آنها جانتان را گرفته و شما را به دنیای روح خواهند برد.

ایده‌آل خانواده براساس عشق راستین در این مسیر می‌تواند به کمال نائل آمده و برای شکل‌گیری حاکمیت صلح در سراسر دنیا، خدا، تمامی انسانها، دنیای روح بهشتی، و دنیای جسمی زمینی می‌توانند بطور کامل متحد شوند. هیچ چیزی سد راه نبوده و راه براستی هموار خواهد بود. لطفاً از این فرصت برای قدردانی از خدا و والدین راستین استفاده کنید که در راستای تاسیس سنتهای پادشاهی بهشتی و چنان ایل گوک از طریق والدین راستین، کلیدهای مراسم برکت و مراسم "سانگ هووا" را به تمامی ملت‌های جهان اعطاء نموده‌اند. شما نمی‌دانید که چه تعدادی از انسانها با مراسم برکت ازدواج در نهضت هماهنگ مخالفت کرده‌اند. تعدادی از اعضای نهضت حتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

بیاییم تا همگی برای پدر بهشتی ما، که به خاطر خیرخواهی بدون قید و شرط او، ما قادر به دریافت شکوه یک زندگی باارزش هستیم، دست بزنیم. شما براستی باید با تمامی وجودتان دست بزنید، منتظر بمانید تا ببینید که در صورت فراموشی در اعلام قدردانی خود، چه روی خواهد داد.

یک خانواده‌ی تحت تسلط خدا

خانمها و آقایان، راهی را که بشریت باید در آن گام بردارد چیست؟ حتی در این زمان هر ساله بواسطه‌ی جنگها، بیماریها، گرسنگی و بلایای طبیعی در گوشه و کنار دنیا میلیونها انسان بیگناه جان می‌سپارند. با مشاهده در هر زمینه از سطح فردی گرفته تا عمومی چه در مذهب، چه در سیاست، چه در آموزش و چه در فرهنگ و ایدئولوژی، می‌توان دید که انسانها در باطلاق خودپرستی فرو شده و دیوارهایی بلند بدور خود کشیده‌اند. ما اکنون در دنیایی ویران شده زندگی می‌کنیم که در آن تمامی روابط اصیل به تباهی کشیده شده‌اند.

سرانجام مشکلاتی که بشریت به آن مبتلا شده‌اند تنها از طریق جهان بینی یک خانواده‌ی تحت حاکمیت خدا حل و فصل خواهند شد، بعبارتی دیگر از طریق آن ایدئولوژی متمرکز بر عشق راستین حل و فصل خواهند شد که من و همسر من از خداوند آموخته و در تمامی طول زندگیمان قهرمان آن شده و به همگان آموزش داده‌ایم. این تنها راه برای بشریت در یافتن صلح و شادی است.

خانمها و آقایان، ما در یک دوره‌ی تاریخی تحول باشکوه زندگی می‌کنیم. این زمان، دوره‌ی یک تحول بزرگ در تاریخ برای اتحاد دنیای روح و جسم و آفرینش ایدئال پادشاهی بهشتی است که خدا از آغاز آفرینش در انتظار آن بوده است. منظور من این است که این تحول باید حتی به قیمت سوزاندن هر چیزی بر سر راهش به انجام برسد و شما نیز باید زندگی خود و کشورتان را برای جزئی از آن بودن فدا کنید، در غیر اینصورت شما نیز باقی نخواهید ماند...

دیگر بیش از این نمی‌توان تحقق آرزوی خدا را بتعویق انداخت. من قبل از این اعلام کرده‌ام که سیزدهم ژانویه‌ی سال دوهزار و سیزده، یک روز ملی خواهد بود. این خدا و والدین راستین بودند که چنین چیزی را اعلان نمودند. آن روز آغازین واقعی چنان ایل گوک و یک نقطه‌ی شروع خواهد بود. بهرحال سه سال تا به آن روز باقی مانده است. شما باید بدانید که من به خاطر آگاهی از چنین آخرین مهلتی، چقدر باید مشغول باشم. من نمی‌توانم بسان دیگر مردم خورد و خوراک و استراحت داشته باشم. ولی باید در ورای کوهها و دریاها تا دوردستهای این جهان خاکی به دویدن ادامه دهم و همچنان راههای بسیاری برای رفتن در برابرم پهن و گسترده باشد. من باید بر تمامی غم و اندوه باقی مانده غلبه کنم. در یک چنین وضعیتی ظهور یک نفر به جای من یک خبر بسیار شگفت‌انگیز خواهد بود.

بنابراین اکنون زمان اطاعت متواضعانه‌ی تمامی مردم در برابر فرامین خدا است. امروز یک دوره‌ی زمانی غیرقابل اجتناب، در برابر ما قرار گرفته است که در آن ما باید در طی این سه سال تحت راهنمایی‌های والدین راستین که بعنوان نماینده‌ی واقعی خدا، پادشاه پادشاهان، پیشبرد مشیت الهی را بر روی زمین رهبری می‌کنند، تمامی وجودمان را با تعهد کامل تقدیم کنیم. تمامی ارواح خوب در دنیای روح بسیج شده و یک قدم جلوتر از شما در حال پیشروی هستند. باید بدانید که آنها در همراهی با شما ایستاده‌اند. شما باید برای پایین آمدن اجدادتان از دنیای روح دعا کنید.

خانمها و آقایان، آیا هیچ می‌دانید که خدا در لحظه‌ی سقوط و فرو شدن در تاریکی و جزئی از نسب خونی شیطان شدن اولین اجداد ما، که در آفرینش آنها تمامی وجودش را بدون هیچ قید و شرطی فرو گذاشته بود، چقدر رنج کشید؟ آیا برآستی می‌دانید که پدر بهشتی ما با تحمل دهها هزار سال مشقت بار مملو از درد و اندوه با اشکهایی تا به اعماق وجودش و ارتعاشی در سراسر بدنش مجبور به طی طریق از گذرگاه‌های تاریک و بسیار طولانی غرامت برای نجات فرزندان گمشده‌اش از سقوط بود؟ من به خوبی می‌دانم که خدا در آن زمان چه احساسی داشت. تا به حال چند نفر شبها و روزهای خود را در اشک با اشتیاق برای آرامش دادن به پدر ما در دنیای روح

سپری کرده است؟ هیچ کسی! در غیر اینصورت شما در جایگاهی برای تقبل مسئولیت در پیروی از خدا در مسیر ورود به پادشاهی بهشتی نخواهید بود. حتی اگر هم که بخواهید بدون توانائی انجام آن تنها در شرمندگی خواهید بود.

ماموریت مردم کره

خانمها و آقایان، خدا مردم کره را در طی هزاران سال آماده کرد. مسیحیان باور دارند که خدا پسر راستین خود عیسی را دو هزار سال قبل برای نجات بشریت فرستاد. اما عیسی از سرنوشتی شوم و تیره رنج کشید. قرار بود که رهبران یهود و مردم اسرائیل، او را در مقام ناجی دریافت کرده و با اطاعت مطلق و ایمان مطلق از او پیروی کنند. آنها هرگز نمی‌بایست اجازه می‌دادند تا چیزی به اسم مصلوب شدن عیسی روی بدهد.

عیسی ناگهان با گفتن "همه چیز تمام شد!" این دنیا را ترک گفت. سربازان رومی پهلویش را شکافته و او را به قتل رساندند. با این همه عیسی برای رستگاری آنها دعا کرد. ولی کلام بجا مانده از او تنها بر رستگاری در سطح روحی صدق می‌کند. بعد از دوهزار سال آمادگی، سرانجام ظهور دوباره‌ی او در شبه جزیره‌ی کره باعث به نتیجه رسیدن تلاش‌هایش شده است. صبر کنید و ببینید که آیا من چنین توانائی دارم یا نه. کشور کره را به من واگذار کنید. در طی سه سال تمامی دنیا را در قالب یک نژاد واحد متحد خواهم ساخت، به من فرصت بدهید. تمامی کتابهای راهنما را آماده دارم، حتی اگر هم که بمیرم، کتابهای آموزشی دارم که بعنوان نماینده‌ی من برای میلیونها سال بعد از رفتن من بر روی زمین باقی خواهند ماند.

مردم کره در گذشته خدا را بعنوان جد اولیه و والای تمامی نیاکانشان می‌پرستیدند و او را ماهیتی یگانه و جد بزرگ تمامی مردم، خدای واحد^۱ می‌نامیدند. آنها به او بعنوان سرور آفریننده‌ی روز و شب خدمت می‌کردند. همانطور که تمامی اعداد از یک شروع می‌شوند، همه چیز در جهان آفرینش نیز از وحدانیت آغاز می‌شوند. مردم کره با این احساس که خدا جد اصیل آنها است به او خدمت کرده و بدینسان روح همبستگی، کامیابی متقابل و ارزشهای مشترک جهانی در روح و سنتهای این مردم زنده است. آنها خود را در طی پنج هزار سال تاریخ حفظ کرده و حتی یکبار هم به کشور یا ملتی دیگر هجوم نیاورده و دست به غارت کسی نزده‌اند. روحیه‌ی نیکوکاری برای تمامی انسانها در رگهای مردم کره جریان دارد. روحیه‌ی فرزند خلف بودن، وفاداری و وظیفه شناسی بعنوان خصوصیات بنیادین زندگی بشری، همچنان در تاریخ کره زنده است و وجود این ارزشها در مردان و زنان کره‌ای انعکاس افتخار و روح مردم کره است.

من این ارزشهای سنتی را به ارث برده‌ام، بعنوان مثال ارزش فرزند خلف راستین در داستان "شیمچانگ"، دختری که زندگی‌اش را برای پدر نابینای خود فدا می‌کند، تا او توانائی دیدن را بدست آورد، یا ارزش وفاداری و عشقی عمیق که توسط "چون‌هیانگ" بتصویر کشیده شد، زنی که در راستای حفظ عهد و وفاداری خود نسبت به همسرش، بر وحشت مرگ غلبه کرد، و یا ارزش وظیفه شناسی بتصویر کشیده شده در زندگی دریا سالار "الی سون‌شین" کسی که در مواجهه با بی‌مهری از جانب پادشاه و رهبران وقت، زندگی‌اش را برای نجات کشور و

^۱ در زبان کره‌ای بطور معمول خدا را "هنا نیم" خطاب می‌کنند. "هنا" یعنی یک، و "نیم" یعنی والا، حضرت والا، محترم ... در نتیجه ترجمه‌ی تحت‌اللفظی "هنا نیم" حضرت یک، یا والا مقام یک خواهد بود. به خاطر همین تشابه عدد یک و نام خدا در زبان کره‌ای است که در اینجا به این اشاره شده است که همه چیز از عدد یک، به عبارتی دیگر از خدا آغاز می‌شود.

مردم خود فدا کرد. این ارزشها و سنتهای والای کره‌ای فقط یک سری اتفاقات تاریخی نبوده‌اند. بلکه براساس این ارزشها بود که خدا مردمش را آماده ساخت و درواقع اینها بخشی از مشیت تاسیس پایه برای فرستادن ناجی بوده‌است. براساس چنین آمادگی و انرژی عظیم این شبه جزیره، سرانجام من با تدهیر در مقام والدین راستین بشری و پادشاه پادشاهان از جانب خدا آمد. نه من بلکه خدا چنین کرد.

راهی زندگی بشریت

میهمانان گرمی، خانمها و آقایان، راهی که اکنون بشریت باید در آن طی طریق نماید، بسیار واضح است. چه چیزی می‌تواند مسبب تردید شما در برابر روز موعودی باشد که خدا توسط والدین راستین آشکار نموده است؟ برکات خدا در این مسیر پر تلاش همواره شامل حال شما باد، همانطور که با من در مسیری که من گام نهادم بود.

اگر شما چگونگی جریان تاریخ را با چشمان متمرکز شده بر مشیت الهی زیر نظر بگیرید، قادر خواهید بود تا تغییرات زمانی طبقه بندی شده در سه مرحله را مشاهده کنید. نخست عصر امور دنیوی است، بعبارت دیگر دوره‌ی زمانی که در آن ماده‌گرایی الویت داشته است. دوم، عصر امور انسانی است، یعنی عصر متمرکز بر انسان که در آن آگاهی و احساسات مردم اولویت داشته و بر جهان مسلط شده است.

اما اینها اعصاری انتقالی بوده‌اند. اینها مراحل آمادگی ضروری برای ورود به عصری بوده‌اند که در آن مردم می‌توانند خود را از شر طبیعت سقوط کرده رها ساخته، به جایگاه اصیل خود بازگشته و در قالب یک خانواده‌ی متحده در ملازمت به خدا بعنوان پدر خود زندگی کنند.

عصر امور بهشتی مرحله‌ی پایانی است که در آن بشریت باید راه زندگی برای دیگران را پیش گیرد. و این امر با تاسیس استاندارد مطلق بر پایه‌ی پاکسازی درونی و بیرونی خود از طریق مراسم برکت مقدس ازدواج میسر است. این زمان گشایش عصر پادشاهی خدا، چنان ایل گوک، دوره‌ی زمانی است که ما در آن می‌توانیم به قلب خدای راستین واحد بازگردیم. یعنی اینکه ما باید با بخاطر سپردن این نکته، حتی با فراموش کردن بهشت و زمین در این مسیر گام برداریم.

با شروع واقعی عصر چنان ایل گوک، دو دنیای روح و جسم به هم مرتبط و یگانه خواهند شد و تمامی مخلوقات تحت "اتحادیه‌ی دو دنیای روح و جسم" هدایت می‌شوند که برای اولین بار بر روی زمین تاسیس خواهد شد. بعلاوه مشیت الهی براساس قوانین و راه بهشتی انجام شده، انتخابات انجام شده به سبک دنیوی در سراسر زمین محو شده، و تمامی مردم از طریق ازدواج بین فرهنگها و مراسم برکت صلح جهانی یک خانواده‌ی واحد خواهند شد و همه‌ی ما از شادی و آرامش تحت حاکمیت صلح لذت خواهیم برد. اجازه بدهید بگویم که تا به آن زمان تنها سه سال باقی مانده است.

بعنوان بخشی از آمادگی برای آن زمان، چندی پیش در روز چهاردهم فوریه، در برابر تمامی بهشت و زمین شروع تقویم بهشتی را اعلام کردم. اکنون تقویمهای شمسی و قمری باید در مقام هابیل و قابیل وظیفه‌ی حمایت از تقویم بهشتی را بر عهده گیرند، که توسط آن مراحل پیشبرد مشیت الهی را ثبت یا نمایان خواهیم کرد.

اکنون تمامی شما باید تعالیم مرا در استخوانهای خود منقوش ساخته و یک زندگی براساس اجرای آنها را در پیش گیرید. دیگر فرصتی نیست. اگر اکنون خود را آماده نکنیم، بطور حتم از غافله عقب خواهیم ماند. ما باید از جرات و استقامت لک لکهای گردن سفیدی بیاموزیم که در جهت آمادگی برای فصل زمستان در مسیری با ارتفاع هفت هزار متر بر فراز هیمالایا پرواز می‌کنند.

آخرین کلام برای بشریت

من آخرین کلام خود را در قالب یک مجموعه آماده کرده‌ام که البته براساس پیروزیهای حاصل آمده در طی شش یا هفت موقعیت مرگ و زندگی، از جمله شش بار حبس از روی بیعدالتی جمع‌آوری شده‌اند. این هشت جلد کتاب از تعالیم و موارد آموزشی که من برای تمامی انسانها به جای می‌گذارم تا بطور ابدی مورد استفاده قرار گیرند، عبارتند از "گفتار رورند سان میانگ مون"، "تفسیر اصل الهی"، "چان سانگ گیانگ"، "پیمان خانواده"، "پیانگ هوا شین گیانگ" (پیامهای صلح)، "خانواده‌ی راستین بزرگراه بهشتی"، "مالک صلح و مالک نسب خونی" و "کتاب آسمانی جهانی". اینها کتابهایی هستند که شما حتی بعد از رفتن به دنیای روح باید مطالعه کرده و از آنها بیاموزید. مطالب این کتابها تنها یک مشت تعالیم برگرفته از فکر و ذهن یک انسان نیستند، بلکه آنها کتاب راهنما و مواد آموزشی درباره‌ی چگونگی راه بهشتی اعطاء شده از جانب خدا به فرزندان رنج‌دیده‌اش در جهت رستگاریشان هستند.

اکنون شما باید با استفاده از این کتب در خانواده‌تان سنت "هون دوک هه" را برپا دارید، یعنی سنتی که سه نسل یک خانواده هر روز خود را با مطالعه‌ی کلام خدا آغاز کرده، و با یک قلب تازه، زندگی را در پیش می‌گیرند که در آن آموخته‌هایشان را تجربه خواهند کرد. بیایید تا با هم دنیایی بی‌آفرینیم که در آن مردم در دو حوزه‌ی روحی و جسمی می‌توانند بطور همزمان به والدین راستین ملازمت نموده و کلام راه بهشتی را با هم مطالعه کنند. درواقع دفتر مرکزی متن هون دوک هه‌ی روز را اعلام کرده و تمامی خانواده‌های برکت گرفته بطور همزمان در نقاط مختلف حتی در زمان و فصول متفاوت با هم در برنامه‌ی هون دوک هه شرکت خواهند کرد. تمامی امکانات برای انجام این امر آماده شده‌اند. برآستی نمی‌دانید که من در این مورد چقدر عجله دارم.

یکبار که چنین شد، دیگر مهم نیست که چقدر شیطان در تلاش است تا راه خود را برای هجوم آوردن به نسب خونی شما گرم نگه دارد، و قتیکه با سنت "هون دوک هه" روبرو شود، جایی برای حرکت و تلاش نخواهد یافت. اگر خانواده‌ای که در عین ظهر، یعنی در سطحی فاقد هرگونه سایه، با خدا یگانه شود و هنوز برکات خدا را دریافت نکند، آنگاه چه کسی می‌تواند سزاوار آن برکات باشد؟ وقتی چنین خانواده‌های بهشتی، زمین را پر کنند، دنیا خود بخود به پادشاهی بهشتی بر روی زمین و در دنیای روح ابدی مبدل شده و ایده‌آل یک خانواده‌ی تحت تسلط خدا را تحقق خواهد یافت.

خانمها و آقایان، سال گذشته کتاب شرح حال و زندگینامه‌ی من تحت عنوان "یک شهروند صلح دوست جهانی" بعنوان یک مجموعه‌ی گردآوری شده‌ی خالصانه و صادقانه از زندگی من چاپ شد. من از طریق این کتاب بطور واضح نشان دادم که شما در کجا می‌توانید خواست خدا برای بشریت و راهی را بیابید که در آن ما باید بعنوان فرزندان او طی کنیم. زندگی من همواره براساس این اصل پیش رفته که "اگر تلاش کردی و نتیجه نگرفتی، دوباره و دوباره و دوباره تکرار کن!" من به همان اندازه‌ی هشت کتاب "هون دوک هه" و مواد

آموزشی که قبلا اشاره کردم، به این کتاب ایمان دارم. به همین خاطر پیشنهاد می‌کنم که این کتاب را مطالعه کنید و ایمان داشته باشید که نشانگر چگونگی هدایت زندگی براساس اصولی راستین برای شما خواهد بود. البته این موضوع نه چیزی به نود سال زندگی من که تحت احکام الهی هدایت شده، اضافه کرده و چیزی هم از آن کم نخواهد کرد. اما دعا می‌کنم که مطالعه‌ی دقیق مجموعه گفتارهای عشق راستین این کتاب الهام بخش شما در راه زندگی‌تان باشد.

من قبل از این گفته‌ام که یک زندگی عمودی براساس عین‌ظهر، یک زندگی فاقد سایه است. اگر همه‌ی ما بتوانیم یک زندگی درخشان پیش گیریم، هیچگونه فرصتی برای حضور سایه‌ی گناه در زندگی ما وجود نخواهد داشت. آن دریافت کنندگان نور و روشنایی، مدیون نور و روشنایی خواهند بود. دعا می‌کنم که اکنون بتوانیم اشکهای بدبختی و بیچارگی و فقر مردم را پاک کرده و یک زندگی عشق راستین ابدی نابودکننده‌ی تمامی سیاهی‌ها را پیش گیریم.

یکبار دیگر سپاس عمیق و قلبی خود را از حضورتان در این جشن مشیت شده اعلام می‌کنم. دعا می‌کنم که همیشه در سلامتی کامل در آغوش عشق راستین الهی باشید. امید دارم که بتوانیم در ملاقات بعدی شکوه و افتخار عظیم‌تری را به خدا بازگردانیم. دعا می‌کنم که برکات خدا، پادشاه پادشاهان، با شما و خانواده‌ی شما و کشورتان باشد.

بسیار سپاسگزارم.